

## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

### سخن سردبیر

فلسفه وجودی مجلات علمی- پژوهشی، ایجاد فضایی برای طرح اندیشه‌های نو، بیدار کردن ذهن‌های خفته و عرصه‌ای برای تمرین و ممارست به منظور طرح فرضیه‌ها، نظریه‌ها و قوانین علمی در چارچوب موضوع تعیین شده برای مجله است. این سخن به مذاق ما خوش بیاید یا نه، باید اعتراف کنیم که در مجموعه رشته‌های علوم انسانی، رشته زبان و ادبیات عربی از جمله مهم‌ترین رشته‌هایی است که رگه‌های اندیشه‌ورزی، فرهنگ تفکر و خردورزی در آن ضعیف و تکیده است. از این رو، موضوعات مطرح در فضای کلاس‌ها، اغلب رویکرد توصیفی دارد و فرهنگ تفکر در خانواده زبان عربی، چنان که باید و شاید، جاری و ساری نشده، ریشه ندوانده است. به هر حال، اگر این میراث به‌جا مانده از قرون هفتم و هشتم هجری به بعد را نقص می‌دانیم، باید برای تغییر آن چاره‌ای بیندیشیم، طرح مسئله کنیم، دغدغه ایجاد کنیم و همگی دست به دست هم دهیم و راه چاره‌ای بیابیم.

ما مسلمانان قرن‌هاست که در حوزه مسائل زبانی حرف تازه‌ای برای مخاطبان خود نداشته‌ایم! اگر خلیل بن احمد، سیبویه، میرد، ابن جنی، جاحظ، ابن قتیبه و قدامت‌بن جعفر و ابو‌هلال عسکری و ابن‌اثیر و... در عصر و زمانه خود پیشتاز طرح حرف‌های نو در عرصه زبان بودند و هر یک از آنان با طرح موضوع‌هایی به روشن کردن زوایایی از پیکره پر رمز و راز و تودرتوی زبان عربی پرداختند، اما این شعله با گذشت زمان و سیطره خمود، سکون و بی‌حرکتی رو به خاموشی نهاد و عالم اسلام در عرصه اندیشه و تفکر زبانی جای خود را به دیگران داد. ما برای احیای آن نشاط و تحرک فکری، نیازمند زنده کردن آموزه‌ها و انگیزه‌هایی هستیم که عالمان سلف ما را به آن تحرک شگرف واداشت. در مسیر این احیاء و تأثیرگذاری در صحنه فعالیت‌های زبانی، گام اول پرتوافکنی بر مجموعه دستاوردها و تلاش‌هایی است که از میراث عظیم عالمان ما به دست ما رسیده است. اینکه دائماً ناله سر می‌دهیم که چرا حرف تازه‌ای نداریم، چرا ابداعی در کار نیست، چرا سخنی قابل عرضه در صحنه مسائل زبانی نداریم، چرا کارهای تکراری می‌کنیم، چرا حرف‌های مشابه و مکرر بر زبان می‌آوریم و چرا و چراهای دیگر، نه به این معنی است که چرا خود را مسلح به فلان نظریه غربی یا بهمان حرف جدید

برآمده از نظریه‌ها و مکتب‌های معاصر غربی نمی‌کنیم، بلکه اگر با نگاهی باریک‌بینانه و هنرمندانه به روش‌های عالمان خود نظر افکنیم، مگر نمی‌توانیم روشی را، حرف نویی را، اسلوب، سبک و نظریه خاصی را از مبرد، سیبویه، ابوهلال عسکری، ابن‌جَنّی، زمخشری، سیبویه، ابن‌هشام، سید رضی و... در حوزه ترجمه و فهم متن استخراج کنیم؟! اینکه ما در پاسخ بعضی از مقالات عزیزان و فرزانه‌انمان درخواست می‌کنیم که مقاله را مستند به یک روش، رویکرد و نظریه خاص کنند، صرفاً قصد ما این نیست که بیاییم و از تطبیق سخنان و روش‌های «مونا بیکر» و «آنتوان برمن» و... سخن بگوییم و یا تلاش کنیم از مکتب‌ها و رویکردهای معاصر غربی سخن بگوییم و...، بلکه با آغوش باز، دوصد چندان مشتاقیم که حرف خود را به رخ بکشانیم و از چشمه‌های خفته و آشفشان‌های خاموش اندیشه که در فرهنگ خود ما وجود دارد، پرده برداریم و آنها را مطرح کرده، تبیین نماییم و به فعلیت برسانیم و نسل کنونی خود را در غفلت بی‌توجهی از کارهای انجام شده نگذاریم!

اما قدم بعدی، توجه به تلاش‌ها و کوشش‌هایی است که در حوزه اندیشه زبانی، فهم متن و ترجمه در عرصه جهانی رخ می‌دهد. آموزه‌های دینی و فرهنگ غنی ما هیچ محدودیتی برای استفاده از ساحت‌های گوناگون فکری ایجاد نمی‌کند. اندیشه در عرصه بهره‌گیری و دادوستدهای فکری، با زاویه‌های اعتقادی تنگ و محدود نمی‌شود. از این رو، لازم است برای غنی کردن گنجینه تفکر، اندیشه و خردورزی‌های خود به این عرصه‌های غیربومی نیز توجه و عنایت لازم داشته باشیم و از نظریات جدید در حوزه ترجمه و روش‌های مطرح شده در مکتب‌های زبانی جدید بهره بگیریم و با بومی کردن آنها، عرصه‌های تخصص، تحقیق و پژوهش خود را باطروحات تر، غنی تر و نو تر نماییم.

دست‌اندرکاران مجله پژوهش‌های ترجمه در زبان و ادبیات عربی مشتاقانه در انتظار دریافت مقالاتی با چنین دیدگاه و رویکردی هستند؛ مقالاتی که دست‌آوردهایشان برگرفته شده از یک منظر، روش و نظریه معین و مشخص باشد حال فرقی نمی‌کند که این منظر از نگاه ادیبان و زبانشناسان مسلمان و نظریات و روش‌های آنها در برداشت از متن باشد و یا ادیبان و زبانشناسان غربی! مهم آن است که حرف ما پشتوانه تئوری و حمایت شده از جانب یک بسته نظری معین داشته باشد. در این زمینه، درخواست ما از اندیشمندان و صاحبان فکر و قلم آن است که با پرهیز از رویکردهایی از قبیل نقد ترجمه با رویکرد درست و نادرست، تطبیق قواعد دستوری بر نوشته‌ها، استخراج معانی عبارات حاوی یک نقش دستوری خاص و ... به موضوعاتی

روی آورند که در بر دارنده رویکردهای مشخص فکری و نظام‌مند معین باشد؛ موضوعاتی که اندیشه و فکر معینی را در حوزه ترجمه و فهم متن القاء کند.

با این حال، هرچند تا رسیدن به ایده‌آل‌های خود فاصله زیادی داریم، اما با همت و پشتوانه فکری و حضور دغدغه‌هایی که در اندیشمندان و صاحبان فکر و خرد خانواده زبان عربی سراغ داریم، رسیدن به این آرزو را دور از دسترس نمی‌بینم. **إِنْ شَاءَ اللَّهُ.**

**بِمَنِّهِ وَ تَوْفِيقِهِ**

**سردبیر**